

گفت وگویی شهروند با فواد شمس از فعالان دانشجویی در ایران

این شعله خاموشی نمی گیرد!



فواد شمس متولد ۱۳۶۵ است، یعنی ۲۱ سال دارد ولی با تمام جوانی اش، هم و غم خود را صرف جنبش دانشجویی و آزادی دوستان در بندش کرده است. فواد دانشجوی اخراجی رشته علوم اجتماعی دانشگاه علامه است. از سال ۸۳، سال ورود به دانشگاه، جذب فعالیت های سیاسی و دانشجویی شد و تا زمان اخراج از دانشگاه در سال ۸۵ در قالب فعالیت های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در کانون ها و نشریات دانشجویی فعالیت داشت. بعد از آن نیز در برخی روزنامه ها، مجلات، سایت های خبری سیاسی و عرصه ی وبلاگ نویسی به فعالیت پرداخته است. برای آشنایی بیشتر با او می توانید به وبلاگش با نام "زیستن برای بازگفتن" bazgooftan.blogfa.com مراجعه کنید.

گفت وگویی شهروند با فواد شمس درباره وضعیت دانشجویان در بند و تلاش های انجام شده برای رهایی آنان را می خوانیم.

از آخرین فعالیت هایی که کمپین آزادی دانشجویان در بند انجام داده برایمان بگویید

- با سلام خدمت شما و خوانندگان نشریه وزین شهروند. بعد از بازداشت های گسترده به خاطر مراسم روز دانشجو از حدود روز ۱۱ آذر تاکنون فعالیت های مختلفی در تمامی عرصه ها برای دفاع از دانشجویان در بند صورت گرفت. در این باره تاکنون اطلاع رسانی فراوانی صورت گرفته است، اما به صورت اجمالی بگویم ما سعی در خبررسانی روز به روز و وسیع داشته ایم. از آن طرف از حرکت های اعتراضی خانواده های رفقای دربندمان حمایت کرده ایم. به نهادهای مسئول داخل حکومت اعتراض کرده ایم. حمایت های وسیع در داخل کشور و خارج کشور را جمع آوری کرده ایم. در آخرین حرکت ها نیز سعی کرده ایم در مورد رفقای تازه بازداشت شده همین روند را ادامه دهیم و از آن طرف در مورد دانشجویانی که برای آنان وثیقه های سنگین تعیین کرده اند سعی بر تهیه این وثیقه ها شده است. چون متأسفانه با توجه به سنگین بودن این وثیقه ها برخی از خانواده های این دانشجویان که اکثراً جزو طبقات پایین جامعه هستند از تأمین آن ناتوان هستند. جا دارد در این جا نیز از همه مردم بخواهیم که در این راه ما را یاری دهند.

تا امروز ۲۱ ژانویه (اول بهمن) چه افرادی آزاد شده اند؟

- تا این لحظه (دوشنبه بعدازظهر به وقت تهران) برای ۱۱ تن از رفقای زندانی در تهران و زندان اوین بند ۲۰۹ وثیقه های سنگینی تعیین شده که تاکنون ۴ تن از این افراد با تودیع وثیقه آزاد شده اند. در مازندران نیز تمامی دانشجویان در بند آزاد شده اند، اما در مورد شهرستان های دیگر تاکنون خبر جدیدی از آزادی دانشجویان نداشته ایم.

آیا افراد دستگیر شده همه متعلق به جنبش دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب هستند یا از سایر طیف ها هم در میان آنها هستند؟

- در میان بازداشت شدگان طیف های گوناگون دانشجویی وجود دارند. اکثر این افراد از طیف دانشجویی چپ هستند که در میان همین رفقای چپ نیز طیف های مختلف دانشجویی با گرایش چپ وجود دارد. در تهران اکثر بازداشت شدگان از دانشجویان چپ هستند و البته دانشجویان کرد و دیگر گرایشات دانشجویی بعضا نیز در میان آنان به چشم می خورد. در شهرهای کردستان اکثرا فعالان دانشجویی کرد بازداشت شده اند. به طور خلاصه اکثر بازداشت های اخیر حول دانشجویان چپ گرا که خود متعلق به طیف های گوناگون چپ هستند، صورت گرفته است.

چرا امسال تصمیم گرفتید ۱۶ آذر را مستقلا برگزار کنید؟

- به نظر ما روز ۱۶ آذر متعلق به تمام دانشجویان دانشگاه سرتاسر ایران است و هر کدام از گرایشات درون جنبش دانشجویی دارای این حق ابتدایی و بدیهی است که آن گونه که می خواهد به صورت "**مستقل**" آن را برگزار کند؛ چه از نیروهای داخل حاکمیت، چه از دیگر نیروهای سیاسی که به نظر ما سنخیتی با جنبش های اجتماعی مردم ایران ندارند، خصوصا آنانی که صرفا به تغییر در هرم بالایی قدرت و جا به جایی قدرت حاکمه از راه هایی غیر از تغییر بنیادین مناسبات اجتماعی - طبقاتی متکی به اراده ی تمام مردم ایران خصوصا جنبش های کارگری، زنان، دانشجویی، ملیت های تحت ستم و ... اعتقاد دارند. بر اساس این تحلیل دانشجویان فعال با گرایشات مختلف سعی بر برگزاری مستقل روز خودشان یعنی روز دانشجو را داشتند و خواهان آن بودند که شعارهای خود را بر محوریت خواست تغییر بنیادین مناسبات غیر آزاد و نادرست حاکم بر جامعه مان و اتحاد بین جنبش های اجتماعی قرار دهند و این امر یعنی برگزاری مستقل روز دانشجو خصوصا مستقل از نهادها و جناح های مختلف درون حاکمیت و یا بعضا به ظاهر بیرون حاکمیت، نه تنها حق دانشجویان سیاسی با هر گرایشی، بلکه انتخاب درست دانشجویان سیاسی با گرایش چپ بود و نشان دهنده ی آن است که بعد از نزدیک به سه دهه سرکوب به اشکال مختلف، نسلی دوباره از زیر خاکسترهای سرکوب دهه ۶۰ و فریب دهه ۷۰ بیرون آمده است که راه خود را فراتر از مناسبات کاسب کارانه ی جناح های رنگارنگ داخل حاکمیت و به اصطلاح برخی اپوزیسیون هیچ کاره می جوید.

خواست های دانشجویان عدالتخواه و برابری طلب مشخصا چیست و چه تفاوت هایی با خواست های سایر گروه های دانشجویی دارد؟

- البته من دقیقا منظور شما را از عنوانی که نام برده اید متوجه نشده ام. اگر منظور شما دانشجویان با گرایش چپ است در میان این دانشجویان طیف های مختلفی وجود دارد. این جا باید این تذکر داده شود که این گوناگونی نه تنها بر خلاف دید برخی امری ناپسند نیست، بلکه به نظر من نقطه قوت جنبش دانشجویی و خصوصا طیف چپ آن است که نشان از پویایی و تحرک این جنبش است. همچنین به اعتقاد من بر خلاف برداشت های منسوخ سنتی از کنش گری سیاسی و اجتماعی مهم **وحدت کلمه** نیست، بلکه مهم **اتحاد در عمل** است و این دو فرسنگ ها با یک دیگر تفاوت دارند. بر همین مبنا به نظر می رسد با توجه به این امر می توان به اجمال خواست دانشجویان را بر محوریت خواست دیگر جنبش های اجتماعی خصوصا جنبش کارگری، زنان و همچنین ملیت های تحت ستم در ایران دانست. دانشجویان خود را جزئی از مردم جامعه ایران می دانند و اعتقاد دارند دیوارها و درهای آهنین دانشگاه نمی تواند آنان را از بدنه ی اجتماعی مردم جدا کند. دانشجویان حامل خواست های کارگران بودند. آنان خود را فرزندان طبقه کارگر ایران می دانند. بیش از نیمی از دانشگاه را دختران دانشجو تشکیل می دهند که فریاد اعتراض به تبعیض جنسیتی حاکم بر جامعه را در دانشگاه فریاد می زنند. خواست آزادی های سیاسی و اجتماعی از درون دانشگاه به سوی کلیت جامعه فریاد زده شد. دانشجویان چپ خود را همراه و همگام با دیگر جنبش های اجتماعی جامعه ی ایران می دانند و دانشگاه را به عنوان بخشی از جامعه که می تواند در بیان خواست های جامعه جایگاه آوانگارد و پیشرو داشته باشد به حساب می آورند. البته در آخر این بخش لازم است بگویم با توجه به تجربیات دوران به اصطلاح "اصلاحات" دانشجویان شدیداً از هرگونه مورد سوءاستفاده قرار گرفتن از طرف بخش هایی از جناح های حاکمیت دوری می گزینند که البته در چند انتخابات

اخیر نیز شاهد جدا کردن حساب اکثریت فعالان دانشجویی خصوصا فعالان چپ از جناح های اصلاح طلب حاکمیت بوده ایم. ما بر این گمان هستیم که سرکوب های فعلی هزینه ی استقلال عملی است که ما از جناح های حاکمیت داشته ایم. هزینه ی مخالفت ما با پلکان شدن برای برخی برای گرفتن صندلی های سبز مجلس در آستانه ی انتخابات اخیر است که با توجه به حملات اخیر مدعیان اصلاح طلبی از شیوخ شان گرفته تا ژورنالیست های شان و تئوری پردازان شان موید این امر است.

در گفت و گو با رادیو فرانسه شما گفته ی وزیر اطلاعات آقای ازه ای که دانشجویان دستگیر شده را متهم به مارکسیست بودن کرده، اتهام خوانده اید ضمن اینکه در وبلاگتان و سایر بیانیه ها دانشجویان زندانی را رفقای چپ خطاب میکنند. از نظر شما چپ به چه مفهومی است؟

- در این جا نکته مهم و خطیری وجود دارد. یک انسان (در این جا فعال دانشجویی) می تواند در شرایط آزاد بیرون از زندان با اراده و آگاهی خویش بدون هیچ فشاری بر اساس حق بدیهی و ابتدایی هر انسانی خود را با هر مرامی بخواند و باید این حق آزاد را داشته باشد و قابل احترام و دفاع نیز هست. در این جا نیز هر کسی حق دارد در شرایط آزاد و با اراده و آگاهی خود در بیرون از زندان خود را به هر مرام و مسلکی متعلق بداند، اما شرایط درون زندان متفاوت است. وقتی وزیر اطلاعات حکومتی که حتی حق فعالیت در قالب هیچ مرام و مسلکی - غیر از آن چیزی که خود می پسندند - به کسی نمی دهد، این گونه سخن می گوید و تعداد زیادی از رفقای ما نیز در زندان در شرایطی که مشخص نیست نگهداری می شوند، باید در مقابل آن ایستاد. با در نظر گرفتن تجربه های تاریخی تلخی که داریم. در گذشته نیز زیر درخت های سیب در بعد از ظهرهای ابری پاییزی پاریس گفته بودند که "حتی مارکسیست ها نیز آزاد هستند"، اما تجربه تابستان های خونین ۶۰ و ۶۷ امر دیگری را نشان داد. بر اساس تجربه ای که در تاریخ معاصر این سه دهه داشته ایم باید مراقب این قبیل مسائل بود، اما در مورد بخش بعدی سؤال اجمالا بگویم از نظر ما چپ می تواند معانی مختلفی داشته باشد. همان طوری که با مراجعه به ادبیات کلاسیک دو قرن اخیر می توانید ببینید. در این جا بحث بر سر معنا کردن واژه ها نیست، بحث بر سر **عمل آگاهانه جمعی** فعالان عرصه های جنبش های اجتماعی از جمله جنبش دانشجویی است. هر فرد می تواند خود را عمل مشخص و با پراتیک خود معنای آن چیزی که "چپ" می داند را در عرصه ی جامعه عینیت ببخشد. در اینجا هیچ مقامی که قدرت خود را از سرکوب و زندان و ... می گیرد صلاحیت آن را ندارد برای دیگران عنوان و اتیکت انتخاب کند. در آخر بگویم می توان با مراجعه کردن به مطالب نوشته شده توسط فعالان دانشجویی و عملکرد آنان در "البته شرایط بیرون زندان" در مورد آنان قضاوت کرد که خوشبختانه در جهان کنونی با رشد عرصه های اطلاع رسانی مختلف این امر به سهولت انجام می گیرد.

از لحاظ قانونی چه ایرادی به اقدام شما از جمله تجمع مسالمت آمیز در دانشگاه وارد است؟ اصولا اتهامات دانشجویان دستگیر شده از لحاظ قانونی عنوان شده است یا نه؟

- در واقع حتی بر اساس قوانین مکتوب و نوشته شده همین حکومت جمهوری اسلامی ایران که البته به آن نقدهای بسیاری وارد است هیچ کدام از رفقای دانشجویی ما و به نظر ما هیچ کدام از زندانیان سیاسی هیچ جرمی مرتکب نشده اند. به نظر ما برگزاری تجمع مستقلانه دانشجویی در دانشگاه حتی بر اساس همین قوانین موجود (که قابل نقد نیز هست) هیچ اقدام خلاف قانونی نیست، بلکه حق بدیهی و ابتدایی تمامی دانشجویان با هر گرایش سیاسی است. بر این مبنا ما حق دانشجویان چپ و آزادی خواه را برای برگزاری تجمع مسالمت آمیز در درون دانشگاه محترم می دانیم و از آن دفاع می کنیم و درست برعکس، کسانی را که به وسیله زور و سرکوب و بازداشت و زندان و رعب و وحشت و ... سعی در خاموش کردن صدای ما دارند، محکوم می دانیم. اما در مورد اتهاماتی که به رفقای ما زده شده است. تا این لحظه تنها اتهامی که به صورت رسمی از طرف دادگاه انقلاب به خانواده های این رفقا اعلام شده است "اقدام بر ضد امنیت داخلی کشور" است. این اتهام البته در این چند ساله به هر کسی که به شکلی دست به هر نوع فعالیت اعتراضی زده است، وارد شده است. این اتهام آن چنان مبهم و گنگ و کلی است که به هیچ عنوان قابل اعتنا نیست. نه تنها به صورت رسمی هیچ مصداقی برای این اتهام مطرح نشده است بلکه تاکنون از طرف مراجع رسمی حاکمیت هیچ موضع گیری رسمی و قانونی در قبال دلیل بازداشت و اتهام رفقای دربند ما زده نشده است. بر همین مبنا ما از روز اول خواهان آزادی تمام رفقای دربندان بوده ایم چون بر این **اعتقاد راسخیم** که حتی بر اساس همین قوانین (البته قابل نقد موجود) نیز هیچ اتهامی به آنان وارد نیست.

از دانشجویی که در بازداشت در سندج کشته شد چه اطلاعاتی دارید؟

- متاسفانه خبر مرگ مشکوک این دانشجوی عزیز [ابراهیم لطف الهی] تمام انسان های با وجدان جهان را شوکه کرد. از همان روز های ابتدای بازداشت ها ما بارها سعی کردیم صدای اعتراض دیگر دانشجویان خصوصا فعالان دانشجویی که با هر تحلیلی خود را جزو فعالان ملیت ها و قومیت های تحت ستم به بهانه ملیت و قومیت شان تعریف می کنند، باشیم، اما متاسفانه به هر دلیلی رسانه ها و دیگر نهادها حساسیت لازم نسبت به سرنوشت این عزیزان از خود نشان ندادند تا زمانی که این اتفاق دردناک و بهت آور روی داد. این اولین بار نیست که یک فرد زندانی سیاسی به طرز مشکوکی در زندان ها جان خود را از دست می دهد ولی امیدوارم آخرین بار باشد. همان طوری که وکیل این دانشجو آقای صالح نیکبخت و خانواده این عزیز از دست رفته خواستار روشن شدن علت مرگ و قبول مسئولیت آن از طرف حاکمان و کسانی که او را زندانی کرده اند، شده اند، ما نیز خواهان همین هستیم و البته جا دارد در این جا این هشدار را بدهیم که هر اتفاقی به هر دلیلی و با هر بهانه ای برای رفقای ما در درون زندان و هر یک از زندانیان سیاسی دیگر چه دانشجو، چه کارگر، چه زن و چه هر انسان دیگری بیافتد مسئولیت مستقیم آن با کسانی است که این عزیزان را به زندان افکنده اند. امیدوارم ابراهیم لطف الهی عزیز آخرین فردی باشد که جان خود را به این نحو از دست می دهد. امیدوارم مرگ مشکوک این عزیز تلنگری به تک تک انسان های آزادی خواه و با وجدان سرتاسر ایران و جهان بزند، که نسبت به وضعیت نامشخص تمامی دانشجویان زندانی و زندانیان سیاسی خصوصا کسانی که در شهرستان ها و خصوصا در کردستان - که فشار و سرکوب بیشتر از تهران است و اطلاع رسانی کم تر - اعتراض کنند. باید نگذاریم زیباترین فرزندان آفتاب و باد را در زندان ها یک به یک خاموش کنند.

وبلاگ نویسان ۱۰ بهمن را به عنوان روز حمایت از رفقای دربند اعلام کرده اند. اگر تا آن زمان دانشجویان زندانی آزاد نشوند خیال دارید چه اقداماتی در این روز انجام دهید؟

- البته همان طوری که در وبلاگم هم نوشتم بسیار امید دارم که در روز ۱۰ بهمن جشن آزادی رفقای دربندمان را برگزار کنیم، اما اگر تا آن روز دانشجویان زندانی از جمله رفقای چپ و آزادی خواه ما آزاد نشوند، تا آن جایی که من اطلاع دارم، قرار است تمام وبلاگ ها با خواست آزادی دانشجویان زندان آپ شوند و در یک حرکت وسیع همبستگی خود را با این عزیزان اعلام کنند. با توجه به این که در این چند ساله وبلاگ ها به عنوان یک پدیده ی اجتماعی جدی و یک رسانه ی آلترناتیو در جامعه ی ایران مطرح هستند و خوشبختانه جایگاه خوبی را نیز کسب کرده اند، ما امیدواریم این حرکت وبلاگ نویسان در این روز بتواند لاقول حساسیت و اطلاع رسانی در مورد رفقای زندانی را وسیع تر و عمیق تر بکند. در این جا جا دارد از همه وبلاگ نویسان و تمامی رسانه ها و خلاصه تمامی کسانی که به نحوی در رسانه های اینترنتی و دیگر رسانه ها حضور دارند درخواست کنم در این اقدام شرکت کنند.

از ایرانیان خارج کشور جهت حمایت از جنبش دانشجویی و دانشجویان زندانی چه انتظاری دارید؟

- تاکنون که نزدیک به ۵۰ روز از بازداشت رفقای دانشجویی ما و دیگر دانشجویان زندانی می گذرد در خارج از کشور اقدامات خوبی از جمله اطلاع رسانی و کارهای رسانه ای، برگزاری تظاهرات و آکسیون های مختلف، تماس با نهادهای بین المللی دفاع از حقوق انسان ها، اتحادیه های کارگری و دانشجویی، احزاب چپ و مترقی سرتاسر جهان و کارزار "اقدام متحدانه در دفاع از دانشجویان چپ و آزادی خواه"، حمایت هنرمندان ایرانی مقیم خارج کشور که در یک نمونه اقدام جالب توجه فراخوان آقای ایرج جنتی عطایی شاعر و ترانه سرای نامی حمایت گسترده ی دیگر هنرمندان مردمی از این فراخوان و ده ها یا شاید صدها عمل دیگر از این دست که با پوزش، فرصت و توان مطرح کردن اش از طرف من در این فرصت محدود نیست، صورت گرفته است. به طور خلاصه ما از تمامی ایرانیان ساکن خارج کشور خصوصا آنانی که دغدغه های تغییر بنیادین مناسبات نادرست و غیر انسانی حاکم بر جامعه ی ایران را دارند؛ آنانی که خود را جزئی از طبقه کارگر ایران، جزئی از جنبش زنان ایران، جزئی از جنبش جوانان و دانشجویی ایران می دانند؛ آنانی که انسانیت را ورای قومیت و ملیت و نژاد و جنسیت و زبان و طبقه می بینند، درخواست می کنیم به هر نحو ممکن صدای اعتراض مردم ایران، دانشجویان زندانی، کارگران، زنان و مردم تحت ستم را به گوش جهانیان برسانند تا مردم جهان بدانند در نقطه ای جغرافیایی به نام ایران به جز بحث جنگ و انرژی هسته ای خواست های دیگری نیز مطرح است. تا تمام مردم جهان بدانند که دیکتاتورها در اشکال مختلف نمایندگان مردم ایران نیستند، بلکه نمایندگان واقعی مردم ایران اکنون در زندان های همین حاکمیت، آن هم در آستانه "نمایش انتخاباتی" دیگری به سر می برند.

با سپاس از شما که وقتتان را در اختیار شهروند گذاشتید.

- من هم به نوبه ی خود از فرصتی که به من دادید کمال سپاسگزاری را دارم.
به امید رهایی تمامی انسان ها در ایران و جهان.